■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۶۶ ■ چهارشنبه ■ ۲۱ خرداد ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۲۰/۴۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸

سخن روز

رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله: آراسته شدن به خوبی‌ها، همنشینی با نیکان، ارجمند شدن، عزیز گشتن، رغبت به نیکی، نزدیک شدن بردبار به درجات عالی، گذشت، آرامش و تأنی، احسان و خاموشی. اینها ثمره بردباری عاقل است. **تحف العقول ص۱۶**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: برای اثرگذاری بیشتر ایده‌ها را با فناوری ترکیب کنیم

باید حرکت ۲۵ هزار کانون فرهنگی و هنری مساجد و بیش از دو میلیون نفر فعال در آن را ارزیابی کنیم و این تعداد را به بیش از ۱۰ میلیون فعال برسانیم. مسجد باید مأمن و پناهگاه افراد باشد و باید این فضا را برای افراد ایجاد کنیم. بنابراین باید به‌دنبال ابزارهای جذاب این حوزه باشیم. در این بین توجه به فناوری مهم است؛ فضای مجازی با توجه به ویژگی‌هایش قدرت تأثیرگذاری دارد. هر چقدر ایده‌ها را با فناوری ترکیب کنیم قدرت تأثیرگذاری بیشتری پیدا می‌کند.

بخشی از گفته‌های سید عباس صالحی در نشستی با برگزیدگان نخستین رویداد فهما

به نظرمان می‌رسید آزادی خیلی چیز ساده‌ای است. تا اینکه زمان گذشت و ما هم زیر بارش خم شدیم، زیرا کسی به ما آزادی را نیاموخته بود. تنها چیزی که به ما یاد داده بودند کشته شدن در راه آزادی بود. ما آزادی را چنین می‌خواستیم؟

زمان دست دوم
سوتلانا الکسیویچ
عبدالمجید احمدی
نشر چشمه

نگاره

منصوره دهقانی

طرح ازدواج اجباری

حرف روز

داریوش مؤدبیان
کارگردان و مدرس تئاتر

تعطیلی سالن‌های نمایش و جای خالی تئاترهای تلویزیونی

تلویزیون اعتقادی به تله‌تئاتر ندارد

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تعطیلی سالن‌های نمایش، با تأسیس دانشکده هنرهای دراماتیک و شروع ضبط و تولید نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی در نهایت طی سال‌ها تئاترهای تلویزیونی به‌وجود آمد. پخش این تئاترهای تلویزیونی و رادیویی نقش بسزایی در تشویق علاقه‌مندان و حضورشان به سالن‌های تئاتر در دوره جدید ایفا کرد. به‌عنوان مثال وقتی ۲۵ شهریور، تماشاخانه سنگلج فعلی آغاز به‌کار کرد تماشاگرانش کسانی بودند که پیش‌تر تئاترهای تلویزیونی دیده بودند و با آن آشنا بودند. مهدی فروغ عامل این اتفاق بود و برای این کار برنامه و الگو داشت، این امر باعث شد که جریانی راه افتاد که بعدها روی صحنه هم تأثیرگذار بود.

نویسندگان و کارگردانان بزرگی از جمله سیدنی لومت از تلویزیون شروع کردند و به سینما رفتند. در واقع این رابطه دو طرفه بوده است. درست است که تلویزیون از تئاتر و ادبیات خوراک گرفته اما در جریان تماشاگرسازی و تولید و کمک به تولید تئاتری هم پیش‌قدم بوده است.

در اروپا برخی تلویزیون‌ها حتی خودشان تئاتر و گروه تئاتری دارند و غیر از بحث تولیدات تلویزیونی، روی صحنه هم می‌روند. در ایران هم همین‌طور بوده و کارگاه نمایش و تئاتر شهر که الان مفخر تئاتر ایران است چنین کارهایی انجام می‌داده و اصولاً گروه‌هایی که به‌عنوان مثال در تئاتر شهر کار می‌کردند کارمند تلویزیون بودند.

ما باید الگویی پیدا کنیم براساس آن پیش برویم نه اینکه همین‌طور به مقتضیات اتفاقات و بحران‌های روز بگوییم فلان کار یا بهمان کار را انجام بدهیم. مگر می‌شود با دستور و نامه، کار زیرساختی و بسترسازی آنی انجام داد؛ آن‌هم بدون طرح و نقشه دقیق و برنامه‌ای از پیش فکر شده؟ تلویزیون موظف است با برنامه‌ریزی حساب شده و بهره‌برداری از الگوهای رایج دنیا در این حوزه کار را پیش ببرد. این مدیران فرهنگی باید ببینند در کشورهای اروپایی و... چه اقداماتی انجام شده که امروز در استانداردترین حالت ممکن همچنان در حال ضبط و تولید و پخش تئاترهای تلویزیونی هستند.

آنها امروز که به‌دلیل بحران کرونا، سالن‌های تئاتر تعطیل شده دارند میوه آن مسأله را برداشت می‌کنند و در سایت‌ها و فضاهای مجازی و... کارها را به نمایش می‌گذارند و پیش می‌برند.

باید زیرساخت آن به شکل حقیقی و حقوقی کاملاً آماده باشد. چطور می‌توان در شرایطی که تلویزیون ما به هیچ عنوان حقوق مؤلف و مصنف را نمی‌شناسد یا نمی‌خواهد بشناسد از او چنین انتظاری داشت.

آنها حتی اسم ما را هم دلشان نمی‌خواهد بیاورند. وقتی تلویزیون چنین رفتار می‌کند نباید گمان داشته باشیم که اتفاق خاصی بیفتد. سیاستگذارهای کلان فرهنگی در تلویزیون در این دوره و برای پر کردن این خلأ چه فعالیت خاصی انجام داده‌اند؟ یا نهادهای دیگری که مسئول هستند و باید مدیریت کنند چه کرده‌اند؟ آنها باید بیایند به امثال من بگویند چه کنم که این خانه‌نشینی‌ام هدر نرود.

من حتی به آنها پیشنهاد دادم که آرشیو را بیرون بیاوریم و با شناسنامه‌ای درست تله‌تئاترها را دوباره پخش کنیم. باز هم جواب درستی ندادند و... پس به‌عقیده من، زمانی می‌توانستیم در این دوره، شاهد پخش تله‌تئاتر باشیم که برای آن فکر درستی می‌کردیم نه اینکه به گفته خیلی از مدیران فرهنگی تلویزیون به این مسأله معتقد باشیم که دوره تئاتر تلویزیونی گذشته است.

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

آه نشابور نشابور

یک وقتی محمدرضا شفیعی کدکنی که استاد همه ماست شعری گفته بود که: «در نشابورم و جویای نشابور هنوز» این یعنی تشنگی برای یک شهر. اصلاً این نیشابور چی توی خودش دارد که استاد ما کدکنی این‌طور درباره‌اش حرف می‌زند.

اصلاً مگر فقط شفیعی کدکنی است که درباره این شهر این‌طوری می‌گوید؟ یک وقتی توی همین ستون درباره شاعرهای این شهر نوشتم و حتی گفتم خشتمالش هم شاعر است. همان‌طور که همین خاصیت را شیراز خودمان دارد. شهرهایی که شعر و موسیقی توی خودشان دارند. حالا چی شده که باز هم دارم نشابور نشابور می‌کنم در این ایام؟

خبر آمد که خانه پرویز مشکاتیان در نشابور تخریب شده است. این یکی از مهلک‌ترین خبرهایی بود که می‌شد شنید. بعد هم توی خبرها خواندم که آن خانه ارزش تاریخی نداشته.

این جواب سهمگین‌ترین پاسخی است که می‌شود داد. ارزش تاریخی ندارد اما ارزش فرهنگی و اجتماعی دارد. همه وجود یک شهر مگر چه چیزی است؟ یکی طبیعت و جغرافیای آن است و دیگری آدم‌هایش.

آدم‌هایش آن‌هایی بیش‌تر به چشم می‌آیند که کاری کرده‌اند. این شهر کم آدم ندارد. همین است که در طول تاریخ با آن‌همه هجوم و ویرانی‌ای که داشته هنوز سرپا ایستاده است. تاریخ کدام است؟ تاریخ مگر همان زخمه سازهای پرویز مشکاتیان نیست؟ تاریخ، مگر خاطره‌ای از آن صدای ساز نیست که توی ذهن‌های ما نشسته است؟ تاریخ مگر فقط خشت و گل و آهن است؟ تاریخ، مردمان یک سرزمین هستند. آن هم کدام سرزمین؟ سرزمین شعر. سرزمین شعر در شعر. سرزمین شعر در شعر در شعر. سرزمین نشابور.

محمدرضا شفیعی کدکنی تخلص خودش را گذاشته بود «م.سرشک» اصلاً شاید درست‌ترین تخلص است برای اهل فرهنگ. درست همان‌جایی که خاقانی شروانی می‌گوید: «به سرشک‌تر و خون جگرم»

یا به قول آن ترانه که می‌گفت ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود، رنج دوران برده‌ایم. ما برای آنکه ایران گوهری تابان شود، خون دل‌ها خورده‌ایم. تا خون دل بخوریم هنوز راه در پیش داریم. هنوز خانه‌های بسیاری در این سرزمین برای نگهداری هست که باید خراب شود. اما همین رنج دوران است که بالاخره جواب می‌دهد و به ما یاد می‌دهد که میراث معنوی نه همین خشت و گل و آهن و چوب است.

روحی که در آن خانه در جریان بوده میراث ماست. یک وقتی بود که خواب دیدم پرویز مشکاتیان آهنگی ساخته بود و گفت این را بدهید به محمدرضا شجریان که ترانه‌اش را بخواند. آقای شجریان آمد در استودیو و تصنیف را خواند. یک مصرعش بعد از بیدار شدن از خواب در یادم ماند.

او می‌خواند که: «دیده بر کشم از آسمان پیرهنش» این شعر را در هیچ جست‌وجویی نیافتم و آن را به‌نام خودم ثبت کردم و حالا افتخار می‌کنم یکی از شعرهای مرا در خواب پرویز مشکاتیان آهنگ ساخته و محمدرضا شجریان خوانده است. آدمی به همین دلخوشی‌های کوچک زنده است انگار.

چی ببینیم

احترام برومند
مجری و بازیگر

روحیه مبارزه جویانه یک زن

در دهه ۶۰ که دسترسی کمتری به سریال‌های روز دنیا وجود داشت و حمل دستگاه ویدئو و فیلم‌های VHSقاچاق محسوب می‌شد، فیلم‌ها و سریال‌های خارجی بیشتری را تماشا می‌کردم بالعکس این روزها که فیلم‌های روز دنیا در فضای اینترنت به آسانی در دسترس است، وقت کمتری از اوقات روزانه‌ام به تماشای فیلم و سریال اختصاص می‌یابد. خیلی اهل وبگردی و مسلط به فضای اینترنت نیستم، بر این اساس اغلب فیلم‌هایی را می‌بینم که سینا (پسر لیلی) در اختیارم قرار داده است. از بین آثاری که به تازگی به پیشنهاد لیلی، تماشا کرده‌ام سریال «تاج» (The Crown) از آثار محبوبی است که به‌عنوان یک پیشنهاد می‌توانم تماشای آن را به عموم مردم توصیه کنم. این سریال که چند ماهی از پخش فصل سوم آن نمی‌گذرد درباره دوران سلطنت ملکه الیزابت دوم است و در قالب قصه با بازی‌های چشمگیر و کارگردانی مسلط، تاریخ را روایت می‌کند. هم سرگرم‌کننده است و هم دربرگیرنده نکات آموزنده است. از سینمای جهان و در میان آثاری که دیده‌ام فیلم تحسین شده «۳ بیلبورد خارج از ابینگ میزوری» (Three Billboards Outside Ebbing, Missouri) پیشنهاد سینمایی من برای فضای امروز و خشونتی است که در جهان وجود دارد. فضای اجتماعی این فیلم و روحیه مبارزه جویانه شخصیت زن قصه با بازی خوب فرانسیس مک‌دورمند از جذابیت‌های این درام است. در این ایام چند فیلم ایرانی هم در اکران آنلاین سینما دیده‌ام. یکی از آنها فیلم «خروج» است که به اعتقاد من در برگیرنده سادگی، حساسیت و احساسات همیشگی ابراهیم حاتمی‌کیاست. دیگری «طلا» پرویز شهبازی است که فیلمی سرگرم‌کننده، خوش ساخت و خوش ریتم است؛ اما از میان فیلم‌های ایرانی که به تازگی دیده‌ام، فیلمی که تماشای آن را توصیه می‌کنم «شکستن همزمان بیست استخوان» به نویسندگی و کارگردانی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی است.

به نام تاریخ

■ **۲۱ خرداد**

امروز را باید روز اهالی موسیقی نامید چون تولد و درگذشت تعداد زیادی از هنرمندان موسیقی در این روز اتفاق افتاده است. چهره‌هایی شناخته شده و نامی. البته نام نویسندگان، بازیگران و کارگردانانی هم در هشتاد و سومین روز سال ثبت شده است.

■ **تولدها**

فریدون شهبازیان: ۷۸ سال پیش در چنین روزی یکی از آهنگسازان مطرح ایرانی به دنیا آمد. فریدون شهبازیان که هم در موسیقی سنتی مطرح است هم در موسیقی پاپ. حتماً موسیقی سریال‌هایی چون پایتزان، باغ گیلاس و فیلم‌هایی چون هیوا و اخراجی‌ها را به یاد دارید که ساخته اوست. او برای محمدرضا شجریان آهنگ‌هایی چون «پرکن پیاله را» را ساخت و بیش از ۲۰ قطعه از ترانه‌های محمد اصفهانی هم به‌نام اوست.

حسین بهروزی‌نیا: ردیف دان و بربط نواز کشورمان هم سال ۴۱ در همین روز متولد شد. بهروزی‌نیا زیر نظر استادانی چون محمدرضا لطفی موسیقی را یاد گرفت و از ۱۷ سالگی در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران تدریس را آغاز کرد. او با محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، علیرضا افتخاری، همایون شجریان و سالار عقیلی همکاری و آلبوم‌های «از سنگ تا الماس» و «آفتاب نیمه شب» را منتشر کرده است.

محمدرضا خاکی: سال ۱۳۲۹ یکی از استادان تئاتر ایران در کرمانشاه متولد شد. محمدرضا خاکی دکترای تخصصی تئاتر از دانشگاه سوربن فرانسه دارد و سال‌ها در دانشگاه‌ها تئاتر تدریس کرده است. او عضو هیأت داوران بسیاری از جایزه‌های تئاتری کشور بوده اما فقط در زمینه تئاتر فعالیت نکرده و سابقه تدریس در دانشگاه هم دارد. فیلم‌های «بوی گندم» و «تصویرم در آینه نیست» در کارنامه هنری اوست.

بن جانسون: امروز تولد یکی از شاعران و نمایشنامه نویسان مطرح دوره الیزابت است. او سال ۱۵۷۲ در لندن به دنیا آمد و هم عصر شکسپیر بود. «روباه» و «کیمیاگر» مهم‌ترین نمایشنامه‌هایی هستند که از او به جا مانده است.

در این روز **فردیناند رایموند** نویسنده اتریشی، **آئول فوگارد** نویسنده اهل آفریقای جنوبی و **افروز فروزند** نویسنده و کارگردان جوان تئاتر هم به دنیا آمدند.

■ **درگذشت‌ها**

لوریک میناسیان: مادر مهربان و دوست داشتنی سینما و تلویزیون ایران سال ۸۳ در همین روز درگذشت. میناسیان متولد سال ۱۳۲۲ و پدرش از بازیگران پیش‌از انقلاب بود. تئاتر را از کودکی آغاز کرد و بعد به‌صورت جدی با بازی در نمایش‌هایی چون «طعمه دریا» نوشته علی نصیریان و به کارگردانی جعفر والی کارش را دنبال کرد. سریال «کارآگاه شمسی و دستیارش مادام» و فیلم‌هایی چون «بوی پیراهن یوسف»، «دختری با کفش‌های کتانی» و «بوی کافور، عطر یاس» از او به جا مانده‌اند. میناسیان در زمینه تئاتر کودکان هم فعال بود و سال ۵۴ گروه تئاتر کودکان ارگ را تأسیس کرد.

ری چارلز: نوازنده امریکایی مشهور پیانو و خواننده سبک جاز سال ۲۰۰۴ همین روز درگذشت. ری چارلز از ۷ سالگی بینایی اش را از دست داده بود اما این مسأله مانع پیشرفتش در موسیقی نشد تا جایی که فرانک سیناترا او را «تنها نابغه واقعی در حرفه موسیقی» نامید.

محمدرضا روحبخش: روحبخش نوازنده تار و از نخستین دانش آموختگان دانشکده هنرهای زیبا بود. جلیل شهناز تأثیر زیادی در کار او داشت و قطعه «نوبهار آمد یارا» از او به یادگار مانده است. روحبخش سال ۱۳۹۳ در خانه‌اش در یزد درگذشت.

عباس مهرپویا خواننده و یکی از مبتکران موسیقی تلفیقی هم سال ۷۱ در همین روز درگذشت.

#فردوسی_پور

هشتگ

مصاحبه محمدحسین میثاقی با مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال در برنامه فوتبال برتر حسابی جنجالی شد. هم به‌دلیل طفره رفتن تاج از پاسخ به سؤالات و هم به‌دلیل اینکه او نام عادل فردوسی‌پور را آورد و میثاقی را با او مقایسه کرد و البته برای اینکه میثاقی مدعی شد فردوسی‌پور سپر رسانه‌ای تاج بوده است. بحث‌ها درباره این برنامه که دیشب پخش شد تا امروز در شبکه‌های اجتماعی ادامه داشت: «کاش امثال محمد حسین میثاقی می‌فهمیدند که اصل‌ترین چیزی که عادل داره و اینا ندارند، عزت نفس و اصالته.»، «به نظرم محمدحسین میثاقی امشب با مهدی تاج عالی مصاحبه کرد. بسیاری از مواردی که اشاره کرد تاپ و حساب شده بود و مصاحبه شونده رو گیر انداخت. اگر به طرفداری از فردوسی‌پور نگاه نشه و اگر سیستم و نوع مصاحبه‌های تاج رو بشناسید هیچ نقدی به میثاقی نمی کنید. یک سری ایرادهای جزئی بود که طبیعیه»، «مهدی تاج یک بار دیگه هم تو تماس تلفنی با میثاقی اسم عادل رو آورد و زد تو سر میثاقی. در واقع خیلی رندانه داره از محبوبیت عادل و عدم محبوبیت میثاقی استفاده می‌کنه تا از جواب دادن طفره بره وگرنه تاج کسی نیست که دلش واسه عادل تنگ شده باشه و به او و کاراش اعتقاد داشته باشه.»، «مهدی تاج که اون ترکمنچای رو با ویلموتس بسته، در شرایطی که باید مورد سخت‌ترین انتقادها قرار بگیره، با مقایسه میثاقی با عادل و جریحه‌دار شدن احساسات در کف تایم‌لاین و کانال‌های تلگرامی تونست فرار خوبی بکنه. حالا دیگه همه ویلموتس و تاج رو یادشون رفت و با یه عادل گفتن ذوق کردن!»، «این کارشده‌ترین، دقیق‌ترین، فکرشده‌ترین، غیرشعاری‌ترین و صریح‌ترین گفت‌وگو با مهدی تاج بود. بدون ادا اصول و جملات طنز تک تک مسائل مهم پرسیده شد.»، «میثاقی مجری بدی نیست، اتفاقاً گاهی سرگرم‌کننده هم هست برای مخاطب ولی هیچ وقت نمی‌تونه کسی رو به چالش بکشه. تلاش‌های خوبی می‌کنه ولی ادبیات و فرم اجراش و اصطلاحاتی که استفاده می‌کنه و... مناسب به چالش کشیدن مهمون‌های برنامه‌اش نیست.»، «فقط قهر آخر میثاقی که سؤالا رو نخوند؛ چکیده باند بچگانه فروغی و مدیریت کودکانه و از سر لجبازی تمام مدیران صداوسیما رو تو این سکانس برنامه فوتبال برتر دیدیم»، «تو این دو سال هر کسی توسط میثاقی تحت فشار قرار می‌گیره سریع با آوردن اسم فردوسی‌پور سعی می‌کنه جریان رو به نفع خودش تغییر بده. در کل فکر می‌کنم وزن کافی برای نشستن جلوی بعضی از افراد رو نداره. میثاقی خدای گزارش میدانیه. حیفه که تو استودیو وقتش تلف شه»، «کاری با میثاقی ندارم ولی هر کی اومد تو برنامه واسه جواب ندادن اسم فردوسی‌پور رو آورد بدونید قطعاً مقصره و هیچ جوابی نداره! مثل این می‌مونه که قاتل رو ببرن پیش قاضی ازش بپرسن چرا آدم کشتی بگه قاضی قبلی خیلی بهتر بود، تو قضاوت کردن بلد نیستی! همینقدر چرت همینقدر مزخرف و عوام فریب»، «تاج بارها به میثاقی توهین کرد، بهش تیکه انداخت و با پررویی از جواب دادن به یه سری سؤال‌ها طفره رفت. اسم عادل را هم آورد که خودش را جلوی هواداران فوتبال شیرین کنه. یادش رفته سر جریان بازنشستگی با خود عادل هم درگیر بود.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

قیمت های نجومی مسکن

ماجرا

حالا که فصل جابه‌جایی است کاربران زیادی هرروز درباره قیمت خانه‌ها می‌نویسند و بابت افزایش عجیب و غریبش گلایه می‌کنند. این مسأله هم در تهران دیده می‌شود و هم در شهرهای دیگر و انتقادها از نابسامانی این بازار را بیشتر کرده است: «قیمت رهن و اجاره خونه تو مشهد صددرصد و چه بسا بیشتر افزایش داشته از پارسال. واقعاً چه جوری می‌شه زندگی کرد اینجا؟»، «قیمت خونه از قبل عید تا الان جوری تغییر کرده که اصلاً باورم نمی‌شه! نکته اینه که به خاطر وضعیتی که طی چند سال مسکن داشته بعید می‌دونم پایین هم بیاد و این یعنی جوون‌های همسن من حسرت خونه‌دار شدن رو تا ابد دارن»، «بازار مسکن انقد بهم ریخته اصلاً متراژ خونه و محله تقریباً هیچ تأثیری تو قیمت ندارن. هر کی خونه اضافی داره برای اجاره دادن فکر می‌کنه باید حداقل ۱۰۰ میلیون رهن بگیره! از شوش بگیر تا شهرک محلاتی!»، «امروز یکی اومد خونه اجاره کنه یه ربع باهاش صحبت کردم و قانع شد که بره و مهر ماه بیاد که بازار هیجان نداشته باشه و هم قیمت‌ها بشکنه. واقعاً اگه خیلی محدودیت زمانی ندارین چرا پیک اجاره میاین دنبال خونه؟ بذارین اروم بشه این تب اجاره»، «دنبال خونه بودم از عظیمیه کرج شروع کردم. هر روز که می گشتم متری ۱ یا ۲ میلیون به قیمت‌ها اضافه می شد. عظیمیه نشد رفتم سمت گوهردشت. الان آخر گوهردشت هم شده متری ۱۲تومن. با این شرایط باغستان غربی هم نمیتونم بخرم. اخه یعنی چی تو یه تقریباً ۱۴روز قیمت‌ها بسته به جا از۱۷تومن تا۳۰میلیون رسیده؟»، «با توجه به قیمت‌های نجومی مسکن در کشور به نظرم باید یه هشتگ #مالیات_مسکن_خالی رو پیگیری کرد تا مجلس ورود پیدا کنه. انصافاً خانواده‌ها دارن نابود میشن از اجاره بهای سنگین مسکن!»، «یه جوون ۱۸ ساله اگه با حداقل دستمزد سال ۹۹ شروع به کار کنه و هیچی از اون پول خرج نکنه و همشو پس‌انداز کنه، برای خرید یه خونه ۸۰متری با متوسط قیمت متری ۱۷ میلیون تومان در تهران. تو۶۱ سالگی صاحب خونه می‌شه. قشنگ نیست؟»، «عذاب الهی دنبال خونه گشتنه. خدایی چرا همیشه قیمت خونه‌هایی که ما می‌خوایم از بودجمون بیشتره»، «تا پارسال پیرارسال تقریباً می‌دونستی برای تمدید اجاره خونه سر سال چقدر باید کنار بذاری، ولی امسال جوری شده که هر کی هرچقدر دلش بخواد می‌گه و کسی هم نمی‌تونه چیزی بگه.»

عکس نوشت

علی اعطا رئیس کمیته معماری و طرح‌های شهری شورای شهر تهران اعلام کرد که آتلیه و دفتر کار هوشنگ سیحون معمار و طراح بزرگ ایرانی، ثبت ملی شد. این آتلیه جایی است که بسیاری از بناهای مشهور طراحی شده توسط هوشنگ سیحون آنجا شکل گرفته‌اند. این ساختمان دو طبقه، در خیابان جمهوری و در غرب تقاطع ولی عصر - جمهوری قرار گرفته و حالا شهرداری تهران براساس مصوبه الزام شهرداری تهران به حفاظت از میراث معماری معاصر باید از آن مراقبت کند.